■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
مؤمن آن کسی است که خود را به جهت رفاه مردم در زحمت بیندازد و دیگران از او در امنیت و آسایش باشند.

■اذان ظهر: ۱۲:۱۸ ■غروب آفتاب: ۱۷:۵۱
■اذان مغرب: ۱۸:۰۹ ■نیمه شب شرعی: ۲۳:۳۶
■اذان صبح فردا: ۵:۲۱ ■طلوع آفتاب فردا: ۶:۴۴

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

■پنجشنبه ۲ اسفند ۱۴۰۳ ■سال سی‌وسوم ■شماره ۹۲۳۵
جهش تولید با مشارکت مردم

■پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■چاپ: همشهری
■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین
■تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

حافظ
با محتسبم عیب مگویید که او نیز
پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

صفحه آخر

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■مدیر مسئول: محسن مهدیان
■سردبیر: دانیال معمار
■دبیر تحریریه: سیدمجتبی صادقی
■معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■مدیر فنی: حامد یزدانی
■مدیر هنری: مهدی سلامی
■دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■مدیر: حسین لطفی
■دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■مدیر: عیسی محمدی
■دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■مدیر: جواد عزیزی
■دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■مدیر: ساسان شادمان
■دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■مدیر: محمد باریکانی

جامعه:
■دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■مدیر: مسعود میر
■دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■مدیر: سعید مروتی
■دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■دبیر: محمدعلی حلیمی

وقتی تهران زیرزمینی شد

با افتتاح خط ۲ متروی تهران در ربع قرن پیش، حمل و نقل عمومی پایتخت برای اولین بار در تاریخ به زیر زمین رفت

سیدسروش طباطبایی‌پور

مترو؛ این مار خوش‌خط‌وخال که مسافران خسته از راهش را در دل زمین می‌چرخاند و آنها را ایستگاه‌به‌ایستگاه به مقصدشان نزدیک‌تر می‌کند و فردا روز تولد نخستین خط متروی درون‌شهری تهران است؛ یعنی درست ۲۵ سال پیش در چنین روزی، خط شماره ۲ تهران، حدفاصل میدان امام خمینی(ره) تا میدان صادقیه به بهره‌برداری رسید؛ با هزینه‌ای در حدود ۴۰۰ میلیارد ریال و (۲۵۰ میلیون دلار) و توان جابه‌جایی ۶۴۰ هزار مسافر در هر روز. این خط که بخش غربی خط ۲ تهران را شامل می‌شد، در آن مرحله ۱۰ کیلومتر طول داشت و مسافرانش را در ۸ ایستگاه سوار یا پیاده می‌کرد. قیمت بلیت این خط مترو برای آن‌روزها ۳۰۰ ریال در نظر گرفته شده بود.

مکث

خط ۲، نماد متروی تهران

اکنون این خط با ۲۲ ایستگاه و طول ۲۶ کیلومتر شرق تهران را به غرب وصل می‌کند و مسافران را از ایستگاه فرهنگسرا به میدان امام خمینی(ره) و آنگاه به ایستگاه صادقیه می‌رساند. یکی از پرترددترین خط‌های مترو البته همین خط است و شاید ایستگاه میدان امام خمینی(ره) در مرکز تهران، این روزها با حدود ۱۸ هزار مترمربع فضای سرپوشیده و عمق حدود ۲۰ متری زمین، شلوغ‌ترین ایستگاه کشور باشد.

اولین خط مترو

نخستین خط متروی تهران البته خط تهران-کرج به طول ۳۱ کیلومتر بود که یک سال قبل از خط ۲ در ۱۶ اسفند سال ۱۳۷۷ متولد شد. این خط سرآغازی بر فعالیت صنعت مترو بود و تلاش‌های کارشناسان را که از سال ۱۳۵۰ در کشور در قالب مطالعات اجتماعی، اقتصادی و ترافیکی شهر تهران آغاز شده بود، به ثمر نشاند.

ترین‌های متروی تهران

ترین‌های متروی تهران بعد از ربع‌قرن هم خواندنی است. قدیمی‌ترین خط درون‌شهری تهران همین خط ۲ است؛ اما خط یک مترو که میدان تجریش را با ۲۹ ایستگاه به کهریزک در جنوب تهران وصل می‌کند با طول ۳۶ کیلومتر، طولانی‌ترین خط متروی تهران است. شما می‌توانید با سفر با خط ۷ مترو در ایستگاه برج میلاد، عمیق‌ترین ایستگاه را تجربه کنید و اگر از ایستادن روی پله‌های برقی مترو لذت می‌برید، بد نیست بدانید که ایستگاه هلال احمر همین خط با ارتفاع بیش از ۱۸ متر، بلندترین پله برقی را در ایستگاه‌های مترو دارد.

قصه‌ای که ادامه دارد

قصه بهره‌برداری از متروی تهران ربع‌قرن است که آغاز شده و البته هنوز ادامه دارد. باید اعتراف کرد که اگر رگ‌های بتونی این شهر زیرزمینی با طول بیش از ۳۰۰ کیلومتر نمی‌تپید، رفت‌وآمد در این کلانشهر با اختلال مواجه می‌شد و البته نباید پنهان کرد که مترو مسیری طولانی در پیش دارد و باید گام‌های بلندی به سمت توسعه، امنیت و رفاه بیشتر بردارد.

نخستین خط متروی تهران البته خط تهران-کرج به طول ۳۱ کیلومتر بود که یک سال قبل از خط ۲، در ۱۶ اسفند سال ۱۳۷۷ متولد شد

عکس: همشهری/جواد گلزار

کوچه‌گرد

فوتبال از میدان مشق!

لیلا باقری

تهران، اوایل قرن چهاردهم... میدان مشق، زمین بازی افسران انگلیسی و دانش‌آموزان مدارس خارجی. آن روزها فوتبال برای ایرانی‌ها هنوز ورزشی غریبه بود.

اولین بار، انگلیسی‌ها این بازی را به ایران آوردند و سپس مربیان فرانسوی و آمریکایی آن را در مدارس به دانش‌آموزان آموزش دادند. با این حال، فوتبال همچنان در زمین‌های خاصی چون میدان مشق جریان داشت.

داریوش شهبازی در کتاب «برگ‌هایی از تاریخ تهران» می‌نویسد که پس از درگذشت مظفرالدین‌شاه، انگلیسی‌ها محل بازی‌شان را تغییر دادند و زمین فوتبال را به نزدیکی حصار ناصری در ضلع شمالی سفارت انگلیس در خیابان فردوسی منتقل کردند. اما این ورزش هنوز میان مردم جایگاه رسمی نداشت تا آنکه در واپسین سال‌های سلطنت احمدشاه، در جنوب اراضی بهجت‌آباد، حوالی خیابان انقلاب و دبیرستان البرز کمپانی «لنج» نخستین زمین فوتبال واقعی تهران را ساخت، زمینی که با دروازه‌های استانداردش برای نخستین بار شکلی مدرن به این بازی داد.

با این حال، فوتبال همچنان ورزشی اشرافی محسوب می‌شد. برای بسیاری از کودکان تهرانی، به گفته جعفر شهری، توپ چیزی نبود جز مثانه گاو یا پارچه‌های کهنه‌ای که به هم پیچیده شده بود. اما این عشق متوقف نمی‌شد...

با آغاز جنگ جهانی اول، فوتبال در ایران به محاق رفت. کشور درگیر قحطی و بحران شد، اما پس از جنگ این ورزش دوباره به زمین بازگشت. این بار فوتبال دیگر تنها یک بازی خارجی نبود. تیم‌های ایرانی شکل گرفتند، باشگاه‌ها متولد شدند و این ورزش در محله‌ها و شهرهای مختلف گسترش یافت.

سرانجام در سال ۱۲۹۸ شمسی، فوتبال ایران ساختاری رسمی به خود گرفت و «مجمع فوتبال ایران» تأسیس شد که گام نخست در مسیر حرفه‌ای شدن و شکل‌گیری باشگاه‌ها بود. یک سال بعد، نخستین تورنمنت رسمی باشگاه‌های تهران برگزار و تیم انگلیسی‌های مقیم ایران قهرمان آن شد. اما ایرانی‌ها مصمم بودند که این بازی را از سلطه خارجی‌ها بیرون بیاورند. در سال ۱۳۰۰ شمسی، نام «مجمع فوتبال ایران» به «انجمن ترقی و ترویج فوتبال» تغییر یافت، یعنی نخستین سازمان ورزشی مدرن ایران. با روی کار آمدن رضاخان، نیروهای مسلح نیز به این ورزش پیوستند، مسابقاتی که حتی در تیپ کردستان با لباس‌های سنتی برگزار می‌شد، یک طرف با لباس نظامی و یک طرف هم گیوه‌به‌پا! از زمین‌های اشرافی انگلیسی‌ها تا محله‌های فقیرنشین تهران... از توپ‌های مثانه گاوی تا ورزشگاه‌های مدرن امروزی... فوتبال ایران راهی طولانی تا اینجا آمده است از میدان مشق تا استادیوم آزادی.

با اسکن این کیوآرکد پادکست مربوط به یادداشت را بشنوید.

سوژه روز

شب عید دستفروشان

هنوز یک ماه به نوروز مانده، دستفروش‌ها بوی عید را به خیابان‌ها آورده‌اند و گوشه‌وکنار کوچه‌ها و خیابان‌های شهر را پر از کفش و لباس و گل و بلبل کرده‌اند. به این گروه از صاحبان مشاغل فصلی، باید خداقوت گفت که هم چهره شهر را عیدانه می‌کنند و هم احتمالا تخفیف‌های ویژه‌ای برای سبد خرید شب عید شهروندان قائلند.

اما هر سال شهرداری تهران برای این روزهای سال و ساماندهی چنین مشاغلی، فکر بکری می‌کند که باید از صاحبان این مشاغل خواست که برای احترام به شهر و شهروندان به این قوانین تن دهند. شاید یکی از دلایل ترافیک خیابان‌ها در این شب‌ها، جانمایی اشتباه همین دستفروشان است. و دیگر اینکه برخی دستفروشان بی‌مبالات، برای تامین نور بساط عیدانه خود، دست به دامن سیم چراغ‌های برق محله می‌شوند که البته رفتاری غیراخلاقی است. امسال هم با رعایت قوانین نوشته و گاهی نانوشته شهروندی، می‌توانیم به شکلی باشکوه به استقبال ماه مبارک رمضان و عید نوروز برویم.

تهران مصور

کتاب به جای دلار

چهارراه استانبول که در برخی متون تاریخی از آن به‌عنوان «اسلامبول» یاد شده، یکی از چهارراه‌های قدیمی تهران، واقع در تقاطع خیابان‌های جمهوری و خیابان فردوسی، است که در گذشته‌های دور به‌جای فروشندگان پوشاک مردانه و دلارفروش‌ها، پاتوق کتابفروش‌ها بود. شمال‌غربی چهارراه استامبول یا اسلامبول، سفارت انگلیس و در جنوب‌شرقی آن سفارت آلمان و ترکیه واقع شده است. در منتهی‌الیه شرقی این چهارراه نیز میدان بهارستان قرار دارد. اکنون مهم‌ترین کاربری این محدوده مربوط به صرافی‌ها و صنف لباس مردانه و فروشندگان لوازم شکار است که باعث شده این چهارراه چهره‌ای متفاوت نسبت به دوران گذشته پیدا کند. به تصویری که در سال ۱۳۴۳ شمسی در خیابان استانبول، تقاطع لاله‌زار، تهیه شده دقت کنید. روی تابلوی این فروشنده دستفروش که در کنار خیابان پاتوق کرده نوشته شده: «برای خدمت بیشتر به فرهنگ و بالابردن سطح معلومات مردم کتاب‌دوست؛ کتاب هر کیلو ۱۰۰ ریال. از آثار برجسته و با ارزش نویسندگان ایران و جهان». جالب اینکه اکنون نیز با این نوع کسب‌وکار و فروشندگان کتاب در محدوده خیابان انقلاب اسلامی، مقابل دانشگاه تهران تا پارک دانشجو برخورد می‌کنیم. از کتاب‌های کمک‌درسی و دانشگاهی تا رمان‌های قدیمی؛ تازه باید پایان‌نامه‌های دانشجویی را هم به این اقلام فرهنگی قابل خریدوفروش اضافه کنید!

چهارراه استانبول در گذشته‌های دور به‌جای فروشندگان پوشاک مردانه و دلارفروش‌ها، پاتوق کتابفروش‌ها بود. اکنون مهم‌ترین کاربری این محدوده مربوط به صرافی‌ها و صنف لباس مردانه و فروشندگان لوازم‌شکار است

تهرانگرام

تهرانی‌های پفک خور

ماجرای علاقه ایرانی‌ها به پفک به سال‌ها پیش از ساخت این محصول برمی‌گردد. شاید کمی عجیب به‌نظر برسد، اما قبل از اینکه «موری یوهایی» فرزند یک زوج مهاجر ترک، نخستین کارخانه پفک جهان یا به قول خارجی‌ها کارخانه «چیز دودلز» را در سال ۱۹۵۰ میلادی در محله برونکس نیویورک احداث کند، ساکنان خیابان نادری تهران با نام پفک آشنا بودند؛ البته پفکی که شیرین بود. یوهایی اسم محصول جدیدش را که از بلغور ذرت و با طعم پنیر درست می‌شد، «چیز دودلز» گذاشت.

سال ۱۹۶۵ کمپانی غول پیکر «بوردن» آمریکا امتیاز تولید این محصول را از یوهایی خرید تا پفک به محصولی جهانی تبدیل شود.

اما «پفک نمکی» نامی است که «علی خسروشاهی» واردکننده و بنیانگذار نخستین کارخانه تولید پفک در ایران روی این محصول گذاشت و هنوز هم ایرانی‌ها این خوراکی محبوب را به اسم «پفک نمکی» می‌شناسند. ماجرا از این قرار بود که خسروشاهی در یکی از سفرهایش به خارج از کشور، این خوراکی شور را در یکی از مغازه‌ها چشید و به فکر عرضه آن در ایران افتاد. خسروشاهی اما برای انتخاب نام ایرانی برای «چیز دودلز» به خاطرات کودکی‌اش در خیابان نادری تهران رجوع کرد. خود او در این‌باره گفته است: «در دوران کودکی با مادرم به قنادی مینا در ابتدای خیابان نادری می‌رفتیم. آنها یک شیرینی داشتند به نام پفک که خیلی مورد علاقه من بود. محصولی هم که قرار بود تولید شود خیلی پف داشت و چون محصولی شور بود، من تصمیم گرفتم که اسم آن را پفک نمکی بگذارم...»

تهران‌نامه

غذای پرطرفدار در تهران قدیم

برخلاف اشراف و ثروتمندان که مرغ و مسما یا انواع پلو و چلو می‌خوردند، غذای رایج در میان فقرای تهران قدیم عدسی بود. این غذا از خوراک‌های سالم و خوشمزه پرطرفدار به‌ویژه میان فقرا محسوب می‌شد. هر آشپزی برای پخت عدسی، سبک و روشی به کار می‌برد. یکی سیب‌زمینی نگینی داخلش می‌ریخت و دیگری از عدس ریزتر برای مزه بهتر استفاده می‌کرد، اما عدسی که غلیظ‌تر و رنگ و لعاب بیشتری داشت، طعمش هم بهتر بود. نخستین عدسی‌پزی‌ها در اصفهان منحصر به یک خانواده بود. بعدها یکی از اعضای همین خانواده به تهران آمد و پخت عدسی را رواج داد. عدسی‌پزها و عدسی‌فروش‌ها، عدس‌های پخته را در دیگ‌هایی می‌ریختند و در کوچه و گذرها دوره می‌گردانند. گاهی هم در مکان‌های معین به‌ویژه روبه‌روی نانوایی‌ها بساط پهن می‌کردند. عدسی در تهران بیشتر در فصل سرد سال پخته می‌شد.